





دانشکده ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته الهیات و معارف اسلامی فلسفه و کلام اسلامی

عنوان:

**نقد و بررسی دین عرفی**

استاد راهنما:

**دکتر رسول رسولی پور**

دانشجو:

**ناهیده غیب نژاد**

دی ماه ۱۳۹۰

## تقدیر و تشکر:

ریشه ها به عمق می روند تا درخت ها سر به آسمان می ساینند.

تقدیر و تشکر فراوان دارم از پدر و مادر عزیزم که دعای خیرشان همواره بدرقه راهم بوده. دو عزیزی که سختی ها را به جان خریدند و همواره چراغ راه من و رهگشایم در مسیر ناهموار زندگی بودند.

سپاس فراوان دارم از جناب آقای دکتر رسولی پور که با پذیرفتن راهنمایی این رساله مرا مرهون الطاف خویش قرار دادند. همچنین جناب آقای دکتر رضایی که با مشاوره های مشفقانه خود مرا یاری دادند. همچنین از همه کسانی که به نحوی گره گشای من در مسیر نگارش این رساله بودند سپاسگزاری می نمایم.

## تقدیم با بوسه بر دستان پدرم

که عالمانه به من آموخت تا چگونه در عرصه زندگی، ایستادگی را تجربه نمایم

## تقدیم به مادر عزیزتر از جانم

دریای بی کران فداکاری و عشق که وجودم برایش همه رنج بود و وجودش برایم همه مهر

## چکیده

دین عرفی یکی از مهمترین چالشهای مطرح شده در حوزه دین شناسی است که باعث اعتقاد اندیشمندان معاصر غرب، ظهور چنین پدیده ای، نتیجه رخت بر بستن تدریجی تبیین های قدسی و ماوراءالطبیعی از حوزه ی حیات اجتماعی و سیاسی و نیز حیات علمی است و دین نیز از این فرایند بی نصیب نمانده و به ناچار صبغهی قدسی و ماوراءالطبیعی خود را از دست می دهد. علی رغم این مدعا ما در این رساله خاطر نشان کرده ایم که دو قرائت، از دین عرفی وجود دارد که یکی به معنای حذف ماوراءالطبیعه و زوال قدسیّت از ساحت زندگی و دیگری به معنای تغییر نگرش و به حاشیه راندن دین به عنوان برنامه جامع زندگی و فرو کاستن آن به حوزه ی شخصی و خصوصی است. هیچیک از دو تعبیر مطرح شده درباره ی دین عرفی به معنای از بین رفتن دین قدسی نیست. بنابراین، با توجه به اینکه دین قدسی برنامه ای جامع و مجموعه ای از آموزه ها، احکام و اخلاق الهی است، نمی توان آن را به دین عرفی یا صرفاً اخلاقی فرو بکاهیم.

ما در این پایان نامه بین دو قرائت متفاوت از دین عرفی فرق نهاده ایم. یکی جریانی که در برابر دین قدسی و الهی می ایستد و آن را مزاحم آزادگی و فرهیختگی بشر می شمارد (روایت نیچه ای) و دیگری دین را از ساحت های مختلف زندگی به ساحت صرفاً شخصی و عاطفی فرو می کاهد. جمع بندی این رساله نقد هر دو جریان و تأکید بر عدم امکان جمع بین دین و سکولاریسم یا دین سکولار است.

واژگان کلیدی: دین عرفی، سکولاریسم، دین قدسی، سکولاریزاسیون

## فهرست مطالب

عنوان.....	صفحه.....
<b>فصل اول: کلیات</b>	۱
۱-۱ بیان مسئله و سؤال های تحقیق.....	۲
۲-۱ فرضیه ها .....	۳
۳-۱ پیشینه ی پژوهش.....	۴
۴-۱ ضرورت پژوهش.....	۴
۵-۱ اهداف پژوهش.....	۵
۶-۱ جنبه ی جدید بودن و نوآوری.....	۵
۷-۱ روش انجام پژوهش.....	۵
<b>فصل دوم: اصطلاح شناسی و ظهور جریان سکولاریسم.....</b>	۷
۱-۲ واژه شناسی و اصطلاح شناسی.....	۷
ریشه شناسی و تعاریف.....	۷
کاربرد واژه ی سکولار.....	۱۱
تعاریف نظریه پردازان.....	۱۳
آلین بیرو.....	۱۳
عبدالکریم سروش.....	۱۳

۱۴	دان کیویت
۱۴	کریمینز
۱۵	هابرماس
۱۵	هاروی کاکس
۱۶	ویلسون
۱۸	گابریل وهانیان
۱۸	شاینر
۱۹	بنتون جانسون
۱۹	وبر ماکس
۱۹	جورج هولیک
۱۹	برادلاف
۲۰	پیتر برگر
۲۱	جمع بندی معنای لغوی و اصطلاحی سکولار
۲۲	سکولاریزاسیون حداقلی و حداکثری
۲۳	تفاوت سکولاریسم و سکولاریزاسیون
۲۶	علل تعدد تعاریف سکولاریزاسیون
۳۰	۲-۲ تاریخچه ی پدید آمدن سکولاریته

نشانه هایی از سکولاریسم در سده های قبل از انقلاب فرانسه.....	۳۲
یونان باستان.....	۳۲
قرن دوم و سوم.....	۳۲
دوره ی آباء.....	۳۳
قرون وسطا.....	۳۴
قرن ۱۲ و ۱۳.....	۳۵
قرن ۱۴ افول کلیسا.....	۳۶
عصر رنسانس.....	۳۶
نصضت اصلاح دینی ۱۵-۱۷.....	۳۷
عصر روشنگری.....	۴۱
انقلاب فرانسه.....	۴۴
کلیسای کاتولیک و کلیسای پروتستان.....	۴۸
تغییر و تحول در نهاد و درون کلیسا.....	۴۸
اقدامات کلیسای پروتستان.....	۵۰
اقدامات کلیسای کاتولیک.....	۵۲
جمع بندی تاریخچه سکولاریسم.....	۵۴
مکاتبی که سکولاریسم از آنان شکل گرفته است.....	۵۵



۵۶	.....	مکتب اصالت علم
۵۸	.....	مکتب اصالت عقل
۵۹	.....	مکتب اومانیسم
۶۰	.....	معرفی عوامل درون دینی سکولاریسم
۶۰	.....	متون مقدس
۶۱	.....	غیر کلامی و غیر شریعتی بودن مسیحیت
۶۱	.....	روح تجزی گری مسیحیت
۶۲	.....	جمع بندی عوامل بیرونی و درونی سکولاریسم
۶۳	.....	فصل سوم: حوزه های مختلف سکولاریسم و مبانی مشترک آنها
۶۴	.....	۱-۳ سکولاریسم اخلاقی
۶۹	.....	۲-۳ سکولاریسم سیاسی
۷۵	.....	۳-۳ سکولاریسم علمی
۷۹	.....	سطوح مختلف عرفی شدن
۸۳	.....	۴-۳ مبانی مشترک
۸۸	.....	فصل چهارم: سکولاریسم دینی
۸۸	.....	دین قدسی
۱۰۲	.....	تفسیر های متفاوت از دین عرفی

۱۰۲	دین عرفی به معنای زوال قدسیت دین و خدا.....
۱۱۰	دین عرفی به معنای تغییر نوع نگرش به دین، نه زوال و طرد قدسیت دین.....
۱۳۵	سکولاریسم دینی حداقلی و حداکثری.....
۱۳۷	خصوصی شدن و شخصی شدن دین.....
۱۳۷	تفاوت بین خصوصی شدن دین و شخصی شدن دین.....
۱۳۹	مبانی مشترک نظریه پردازان دین عرفی (به روایت دوم).....
۱۳۹	نگرش عقلانی و انتقادی.....
۱۴۰	درد خلوص و توانایی داشتن (احیای دین).....
۱۴۱	استفاده از علم و آموزه های مدرن.....
۱۴۲	نگاه اومانستی و سکولاریستی به انسان و اجتماع.....
۱۴۳	نتیجه گیری مبانی.....
۱۴۵	فصل پنجم: یافته های پژوهش.....
۱۵۵	فهرست منابع.....

**فصل اول**

**کلیات**

## ۱-۱- بیان مسئله و سؤال‌های تحقیق:

با ظهور سکولاریسم که به اعتقاد اندیشمندان معاصر غرب، یک مفهوم توصیفی از یک فرایند پیچیده‌ی اجتماعی است، به تدریج تبیین‌های قدسی و ماوراءالطبیعی از حوزه‌ی حیات اجتماعی و سیاسی و نیز حیات علمی جامعه رخت بسته و در نهایت حذف می‌شود. با غلبه عرفی شدن بر همه امور انسانی، ابتدا، علم، سپس سیاست، فلسفه، اخلاق، و در نهایت حتی دین نیز به ناچار صبغهی قدسی و ماوراءالطبیعی خود را از دست می‌دهد.

عرفی‌گرایی و یا سکولاریسم تلاشی است ایدئولوژیک به منظور مقابله با باور و تعلق دینی. حال این سؤال پیش می‌آید که آیا دین را نیز می‌توان در ردیف سیاست و اخلاق و علم قرار داد و از دین عرفی سخن به میان آورد. آیا می‌توان دین را که قدسی بودن، گوهره‌ی وجودی آنست، عرفی نمود؟ یعنی غیر قدسی نمود؟ سکولاریسم یک جریان تاریخی انسانی بعد رنسانس است، آیا این جریان می‌تواند به ساحت دین که امری الهی و قدسی است ورود پیدا کند؟ در آن صورت، آیا صاحب سکولاریسم دینی نیز همچون ادیان الهی، خداست؟ یا سکولاریسم دینی، نوعی آرزو اندیشی بشر در تسخیر همه‌ی ساحت‌های حیات و خالی نمودن عرصه از وجود و مفهوم خداست؛ و به تعبیری سکولاریسم دینی، تاسیس الهیاتی بنام الهیات مرگ خداست. در این رساله بر آنیم که ضمن ارائه تبیینی از واژه و اصطلاح سکولاریسم، و تفاوت گونه‌های مطرح آن به ویژه در شاخه‌های معرفت بشری (سکولاریسم معرفتی، اخلاقی، سیاسی، فرهنگی و ...)، به پدیده‌ی جدیدی تحت عنوان «دین عرفی» یا همان الهیات سکولار (Secular Theology) و به تعبیر دیگر، «دین اخلاقی» پردازیم.

سؤالات اصلی این تحقیق این است که:

۱- چه زمینه‌هایی موجب ظهور جریان سکولاریته و طرح نظریه‌ی دین عرفی شده است؟

۲- آیا دین قدسی با دین عرفی قابل جمع است؟ آیا الهیات، سکولار می‌شود؟

سؤالات فرعی تحقیق:

۱- دین قدسی چه کاستی و نقصی داشته است که در رفع مشکلات توانا نبوده و دین عرفی می‌خواهد

جایگزین آن شود؟

۲- با توجه به اینکه دین نزد متکلمان، مورخان، مردم‌شناسان، جامعه‌شناسان، فیلسوفان متفاوت تعریف

می‌شود، چه تعریفی باید از دین ارائه شود که با سکولاریسم سازگار افتد؟

۲-۱ فرضیه‌ها:

۱- دین صبغهی قدسی دارد و به هیچ وجه عرفی نمی‌شود.

۲- جریان سکولاریسم در اجراء تنها مربوط به حوزه‌های اجتماعی و فرهنگی بشر می‌شود.

۳- دین آمیخته‌ای از آموزه‌ها، اخلاق، و احکام است در نتیجه فرو کاستن آن به اخلاق، نارواست.

## ۳-۱ پیشینه‌ی پژوهش:

موضوع مورد بررسی در این پژوهش با ویژگی بررسی و نقد «دین عرفی» ظاهراً در این دیار کم سابقه است و هیچ پایان نامه و پژوهش مستقلی در رابطه با این موضوع یافت نشده است. هرچند ترجمه‌ی دو اثر دان کیو پیت بنام‌های "دریای ایمان" و "عرفان پس از مدرنیته" و مقالات و آثار برخی از روشنفکران دینی در کشورمان معرف پدیده دین عرفی بوده است و به خوبی دیدگاه وی و باقی دین باوران عرفی را در عدم پذیرش خدای معهود و معروف ادیان توحیدی ارائه نموده که ضمن رد رئالیسم دینی، به نوعی ایمان نا واقع-گرا یا به تعبیری؛ «بودیسم مسیحی» منجر می‌گردد.

کیویت با ویتگنشتاین هم داستان است که ایمان و دینداری به «نقش و کارایی» آن در زندگی انسان بستگی دارد. وی همچنین با برخی از روشنفکران دینی کشورمان هم سودا می‌شود که دین فربه تراز ایدئولوژی و بلکه راه و رسم زندگی نیک است. دین تعهدی شور-انگیز در راه‌هایی از جهان در راه رستگاری و کمال معنوی است. وی همچون برخی تجددگرایان دینی ایرانی معتقد است: تعالیم و آموزه‌های دینی طریق را می‌نمایانند و خود فی‌نفسه ابزارند و اگر این آموزه‌ها جزمی شوند، به جای نشانه و راهنما بودن، به اصل مبدل می‌شوند (ذاتی و عرضی در دین)، اما اگر آن‌ها معنوی تصور شوند (پروژه‌ی عقلانیت و معنویت) وسیله‌ی رهایی‌اند.

## ۴-۱ ضرورت پژوهش:

دین عرفی یک پدیده جدید و مطرح در بحث‌های دین‌شناسی است که با توجه به دیدگاه‌های موجود در این زمینه عده‌ای معتقدند نگره‌ی قدسی بودن دین متناسب با عرفی شدن همه‌ی جنبه‌های زندگی بشر باید

کنار گذاشته شود. به هر حال تعیین دایره‌ی شمول دین و نقش آن در زندگی بشر مساله‌ی بسیار مهمی است که مطمح نظر این پایان نامه نیز می‌باشد.

#### ۱-۵ اهداف پژوهش:

نقد و بررسی «دین عرفی» و تاکید بر جنبه‌ی قدسی و الوهی ادیان و تفکیک کاربردهای سکولاریسم

#### ۱-۶ جنبه‌ی جدید بودن و نوآوری:

با توجه به نوظهور بودن خود پدیده‌ی سکولاریسم به ویژه در حوزه‌ی دین، لازم است تحقیق مستقلی در باب «دین عرفی» و «دین بی خدا» صورت پذیرد.

#### ۱-۷ روش انجام پژوهش:

روش تحقیق در این پژوهش کتابخانه‌ای است. در این پژوهش به بررسی و نقد دین عرفی خواهیم پرداخت.

## فصل دوم

اصطلاح شناسی و ظهور جریان سکولاریسم



## ۲-۱- واژه‌شناسی و اصطلاح‌شناسی:

در این قسمت ابتدا به ریشه‌یابی واژه‌ی سکولار و مشتقات آن پرداخته و سپس به تعاریفی که در فرهنگ لغات از واژه‌ی سکولار ارائه شده است، اشاره می‌کنیم و در ادامه نگاهی خواهیم داشت به تعاریفی که از سوی نظریه‌پردازان این حوزه ارائه شده است.

## -ریشه‌شناسی و تعاریف:

کلمه انگلیسی سکولار<sup>۱</sup> مشتق از اصل لاتینی سکولام<sup>۲</sup> به معنی دنیوی، ناسوتی، بشری، و این عصری و در زمان حاضر می‌باشد و محصول جهان بینی کلام مسیحیت و یهودیت است. (Crockett, 2001, p. 1)

برخی نیز واژه‌ی سکولار را از اصطلاح لاتین Saeculum یا Saeculum مأخوذ می‌کنند که به معنی قرن، سده، زمان و رویدادهای این جهانی در مقابل ابدیت و جهان دیگر می‌باشد (شجاعی زند، ۱۳۸۰: ۲۰۸)

مشتقات واژه سکولار عبارتند از:

«سکولاریسم<sup>۳</sup>» و «سکولاریزاسیون<sup>۴</sup>» که سکولاریسم به معنای انطباق قوانین اخلاقی و اصول آن با زندگی دنیوی است و نیز به معنای هر نظریه‌ی آموزشی یا برنامه‌ای است که متکی بر اصول دنیوی بوده و منکر مراعات اصول مذهبی باشد. سکولاریزاسیون را نیز به معنای برگشت یک کشیش از عقاید مذهبی به دنیا پرستی آورده‌اند (فرهنگ آریانپور، ۱۳۸۰، زیر واژه‌ی Secular و Secularization)

<sup>1</sup> - secular

<sup>2</sup> - saeculum

<sup>3</sup> - secularism

<sup>4</sup> - secularization

در زبان و ادبیات فارسی در برابر واژه سکولاریزاسیون به مثابه یک فرایند اجتماعی، از اصطلاحاتی همانند نا دینی، دین زدایی، دیانت زدایی، غیردینی کردن، دنیوی سازی، دنیوی کردن، دنیوی شدن، دنیوش، دنیاگرایی، سکولار سازی، عرفی شدن و علمی کردن استفاده شده است (سروش، ۱۳۸۱: ۷۴)

این فرایند در اصطلاح نیز به جهت وابسته، تبعی، چند چهره، و کثیر الابعاد بودن با اوصافی مانند: زوال دین، هم نوایی دین با دنیا، جدایی دین و جامعه، جای‌گزینی صورت‌های مذهبی به جای باورداشت‌ها و نهادهای مذهبی، سلب تقدس از جهان و حرکت از جامعه مقدس به جامعه دنیوی در سطح دین، جامعه، فرد و حکومت توصیف شده است (ر. ک همیلتون، ۱۳۸۱: ۲۹۰ ۲۸۹)

بنابراین معنای شایع واژه‌ی سکولار در فارسی، «عرفی» است و سکولاریسم و سکولاریزاسیون به ترتیب به معنای «مکتب عرفی» یا «عرفی‌گرایی» و «عرفی‌سازی» است. حال می‌توان گفت سکولاریسم و سکولاریزاسیون با تغییر نگرش بشر به پدیده‌هایی که دین و متافیزیک در آن دارای نقش و جایگاه خاصی بودند، به وجود آمده است.

در فرهنگ باطنی، سکولار به معنای، وابسته به دنیا، غیر روحانی، غیر مذهبی، کسی که علاقه و تمایلی به امور معنوی و مذهبی ندارد معنی می‌شود (باطنی، ۱۳۷۸، زیر واژه‌ی Secular)

در فرهنگ آکسفورد نیز سکولاریسم چنین تعریف شده است: «اعتقاد بر اینکه سازمان‌های اجتماعی و آموزشی و..... نباید مبتنی بر مذهب باشند» و سکولاریزاسیون به صورت: «عمل یا فرایندی که قدرت یا تأثیر دین را بر سایر چیزها (نهادهای) رفع می‌کند.» (آکسفورد، ۲۰۰۳)

در فرهنگ نامه‌های مشرق زمین ترجمه‌هایی را که برای سکولاریسم آورده‌اند «گیتی‌گرایی» یا «دنیا‌گرایی» می‌باشد و برای سکولاریزاسیون معمولاً جدا کردن دین و دنیا را برده‌اند. ولی این معانی اولاً چنان که باید و شاید جا نیافتاده‌اند و معمولاً در کتب و مقالات نیز همان اصطلاح انگلیسی را بکار می‌برند. دوم این که در فارسی بین سکولاریسم و سکولاریزاسیون چندان فرقی قائل نیستند. سوم اینکه در ترجمه این اصطلاحات یک مبنا در نظر گرفته شده است. در زبان عربی نیز در ترجمه‌ی آن اختلاف نظر است. بدین صورت که عده ای آن را «علمانیت» و عده ای «علمانیت» ترجمه می‌کنند یعنی اختلاف نظر در حرکت حرف عین «ع» است؛ چرا که با تغییر حرکت، دیدگاه‌ها نیز فرق می‌کند. اگر آن را علمانیت ترجمه کنند، در این صورت برگرفته از واژه‌ی علم است و در این دیدگاه جهان بینی‌ها علمی می‌شود، یعنی نگاه به جامعه، به سیاست، به آموزش، به تعلیم و تربیت، به اخلاق علمی می‌شوند نه دینی. اگر «علمانیت» ترجمه شود، در این صورت از عالم گرفته شده و منظور از آن دنیایی کردن می‌باشد. در اینجا نیز نگاه به جامعه، به سیاست، و..... محدود به این عالم و به این دنیا می‌گردد و در این دیدگاه‌ها از خدا و آخرت حداقل در اندیشه، خبری نخواهد بود.

اصطلاح سکولار را در ادبیات فلسفی غرب به معنای «اهل این زمان و دوران» و «این مرتبه از وجود بودن» معنی می‌کنند. آن‌ها ابتدا جهان را با تعبیرهای *tempolar order* و *eternal order* به دو مرتبه‌ی زمان دار و بی‌زمان، یعنی مرتبه‌ی ای که زمان در آن معنا دارد و مرتبه‌ی ای که در آن زمانی نیست و یا زمان در آن بی‌معناست تقسیم می‌کنند. زمان در جایی معنا دار است که در آنجا ماده باشد، یعنی ماده نیز با زمان تعریف می‌شود و ماده بی‌زمان بی‌معنی است.

پس نتیجه این می‌شود که زمان با ماده مساوی است و در حقیقت بر هم منطبق اند. وقتی سکولار به معنای این زمان یا این دوران گرفته می‌شود، در حقیقت نظر فقط به عالم زمان است و عالم زمان هم همان عالم ماده است؛ پس سکولاریسم مساوق با عالم گرایی و دنیا گرایی می‌شود و در این معنا توجه فقط به این عالم زمانی معطوف می‌شود و از عوالم دیگر چشم پوشی می‌شود. اینجاست که دنیای ما دنیایی کوچک می‌گردد و اندیشه و فکر ما نیز از آن فراتر نمی‌رود. اگر بخواهیم یک اصطلاح فارسی را به جای آن بگذاریم بهتر است کلمه‌ی ابن‌الوقت را به جای آن بگذاریم؛ البته ابن‌الوقت به معنای «این دوران» نه آن معنایی که در ادبیات سیاسی و صوفیانه مراد است. آن‌ها هیچ ربطی به سکولاریسم ندارند (ر. ک سروش، ۱۳۸۱، ۷۴-۷۸).

در ادامه خالی از اهمیت نیست که دو اصطلاح دیگر نیز تعریف شود:

۱- آتیه ایسم<sup>۱</sup> یعنی انکار وجود خدا، بی اعتقادی به وجود پروردگار و آتیه ایست در یک کلمه یعنی ملحد.

۲- لایسیسم<sup>۲</sup> یعنی وابستگی به شخص دنیوی و غیر روحانی، خروج از سلک روحانیون، و لائیک یعنی دنیوی یا انسانی که از سلک روحانیون خارج گردد.

<sup>1</sup> - atheism

<sup>2</sup> - laicism